**نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور در کاهش مهاجر فرستی مناطق مرزی**

**دکتر هادی اعظمی1 ، امین مرادی2\*، سمیرا چناری3**

1ـ دانشیار جغرافیای سیاسی، (گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی)، دانشگاه فردوسی مشهد

2ـ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، (گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی)، دانشگاه فردوسی مشهد

3ـ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، (گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی)، دانشگاه فردوسی مشهد

\* نویسنده مسئول: aminm4940@gmail.com

**چکیده**

**طرح مسأله**: فضای کسب و کار از شاخص­های تعیین کننده وضعیت اقتصادی هر کشوری است که با استناد به آن می­توان به بررسی و تجزیه و تحلیل شرایط اقتصادی هر کشور پرداخت. این شاخص اقتصادی در یک کشور هر چه شفاف تر و رقابتی­تر باشد، منجر به افزایش سلامت اقتصادی کشورها می شود. ورود سرمایه­های داخلی و خارجی به بخش تولید و رونق فعالیت­های مولد و کاهش انواع فعالیت­های کاذب و واسطه گری­ها می­شود تمرکز فعالیت­های غیر مولد در شهرهای پرجمعیت مناطق مرکزی کشور را به همراه داشته است. به دلیل عدم وجود توسعه متوازن در کشور ما شاهد حاکم بودن الگوی مرکز پیرامون بر فضای کشور در چند دهه اخیر بوده ایم بدین صورت که در استانهای مرزی دارای سطح توسعه پایین و در مقابل استان­های مرکزی دارای سطح بالایی از توسعه بوده اند که این وضعیت باعث جذب جمعیت عظیم مهاجر در جستجوی شغل شده است.

**روش پژوهش**: مقاله حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی به بررسی و تحلیل نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور و رونق فعالیت­های تولیدی در مناطق مرزی و پایین آمدن میزان مهاجر فرستی این مناطق پرداخته است.

**یافته­ها:** یافته­های پژوهش با استفاده از داده­های سازمان­های متولی در مقیاس ملی و بین المللی نظیر مرکز آمار ایران، مرکز پژوهش­های مجلس، بانک جهانی و همچنین پژوهش­های انجام شده در قالب مقالات، گردآوری شده است.

**نتیجه گیری**: نتایج پژوهش نشان داد که بهبود فضای کسب و کار باعث افزایش سطح سرمایه گذاری در کشور و بالاخص مناطق مرزی که دارای پتانسیل های قوی در زمینه توسعه می­باشند خواهد شد، که این شاخص طبعاً راه را برای ساماندهی و تثبیت جمعیت این مناطق هموار خواهد کرد.

**واژگان کلیدی**: فضای کسب و کار، مناطق مرزی، ساماندهی.

**1- مقدمه**

تولید نیروی محرکه هر اقتصادی است و بدون آن چرخ اقتصاد دیر یا زود لنگ خواهد ماند، زیرا تکیه بر هر منبع دیگری غیر از تولید همیشگی نخواهد بود و سرانجام روزی آن منبع به انتها خواهد رسید. بنابراین مهمترین اصل در اقتصاد توجه به تولید داخل است که خود نیازمند تأمل، تعقل و تدبیر و داشتن فرهنگ تولید است. کسب و کار و سرمایه گذاری در هر کشور مستلزم فراهم بودن محیط نهادی مناسب و امنیت بخش در آن است. صاحبان سرمایه، سرمایه­های خود را در جایی به کار خواهند انداخت که علائم و نشانه های امنیت اقتصادی به خوبی در آن قابل مشاهده باشد. سیاست گذاران و برنامه­ریزان هر کشور باید به طور مستمر وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه­گذاری در آن کشور را اندازه گیری و کنترل نمایند و بر اساس نتایج حاصل از این اندازه گیری­ها، تمهیدات لازم را برای جذب سرمایه­های خارجی و جلوگیری از فرار سرمایه­های داخلی به عمل آورند. حذف و یا اصلاح برخی قوانین دست و پاگیر که سم مُهلک و ضربه آخر به بدنه تولید است، تسریع و تسهیل نحوه تزریق اعتبارات و تسهیلات به بخش­های تولیدی، کاهش بروکراسی­های اداری و اصلاح نظام مدیریتی ناکارآمد که در بسیاری مواقع بیشتر از تحریم­های خارجی برای تولید خطرناک است، از جمله اقداماتی است که باید در این راستا صورت گیرد.

تأثیر فضای کسب و کار مساعد، بر افزایش جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی مشهود است. اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شاخص­های مزبور در عرصه جهانی نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصادی و ارتقاء سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می­شود، بلکه به طور قطع از منظر سرمایه­گذاران خارجی از جمله مهمترین نماگرها برای ورود به کشور میزبان و شرط لازم برای ارتقا و تسهیل جریان ورود فناوری به کشور می­باشد. آسان سازی فضای کسب و کار از جمله الزامات و پیش زمینه­های رشد اقتصادی است. در هر کشوری که مقررات کسب و کار بنگاه ها، پرهزینه و درد سرساز است، بنگاه ها تمایل بیشتری به فعالیت در بخش غیر رسمی دارند. با توجه به آن که امکان سرمایه­گذاری های بزرگ و گسترش فعالیت­های بنگاه­ها در بخش غیر رسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه­ها معمولاً کوچک باقی می­ماند و آنها به شرایط تولید انبوه و بازدهی نسبت به مقیاس نخواهند رسید و در نتیجه رشد اقتصادی اندکی را به وجود می­آورند و مشاغل کمتری تولید می­کنند. با آسان سازی انجام کسب و کار، مشاغل بیشتری ایجاد می­شود و نرخ رشد اقتصادی نیز افزایش می­یابد. کشورهایی که بهترین شرایط را در آسان سازی انجام کسب و کار دارند، با بیکاری بسیار محدودی مواجه هستند. کشورهایی که به اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شرایط تجاری، اعتباری، قضایی، قراردادها و مانند این­ها پرداخته­اند نیز به رشد اقتصادی بالاتری در قیاس با قبل دست می­یابند(مختاری هشی و همکاران، 1395: 75).

بهبود فضای کسب و کار در کل کشور زمینه ساز عدالت جغرافیایی و فضایی در کشور بوده و تقریباً شرایط فعالیت بنگاههای اقتصادی و تولید اشتغال را از جنبه­های زیادی برابر می­کند. در صورت عدم تلاش کافی در بهبود فضای کسب و کار کشور، سرمایه­ها عمدتاً به سمت نقاطی که به دلایل گوناگون بازه سرمایه در آنها بیشتر است سوق پیدا می­کنند و بخش­های عظیمی از کشور از این سرمایه­های توسعه بخش محروم می­مانند و به ناچار نیروی کار نیز به دنبال سرمایه به نقاط محدودی تغییر مکان می­دهد که این امر موجب انباشت نیروی کار در برخی نقاط و تخلیه از نقاط دیگر می­باشد. تداوم این امر به مهاجرت دائم نیروی کار خواهد انجامید که این امر نیز به نوبه خود مشکلات فراوانی در مناطق مرزی را به وجود می آورد. پژوهش حاضر به بررسی نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور و نیز شکل گیری فعالیت های اقتصادی و اشتغال به صورت متوازن در مناطق مرزی کشور برای جلوگیری از مهاجر فرستی این مناطق می پردازد.

**2- روش تحقیق**

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه­ای و اسنادی صورت گرفته است. تحلیل اطلاعات و یافته­های پژوهش نیز به صورت کیفی انجام شده است.

**3-مبانی نظری**

**3-1 مناطق مرزی و ویژگی های آن**

منظور از مناطق مرزی، نواحی جغرافیایی مجاور مرز است که شهرها، و روستاها و اجتماعات انسانی را در بر می­گیرد. نظر به اینکه مناطق مرزی، دورترین مناطق کشور از مناطق مرکزی هستند، بیشتر این مناطق در زمره عقب افتاده ترین و محرومترین بخش­های کشور هستند(گریگوری، 2003: 53). ادبیات سیاسی جهان هرچند گرایش به یکپارچگی سیاسی در قالب اتحادیه و انجمن­های منطقه­ای و جهانی و به عبارتی دیگر، جهانی شدن روندهای تصمیم­گیری و تصمیم سازی، در حال افزایش است، لیکن هنوز مرزهای سیاسی اصلی­ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر به شمار می­آیند. در ادامه به ویژگی­های مناطق مرزی پرداخته می شود:

**جدول(1)ویژگی­های مناطق مرزی**

|  |
| --- |
| دوری از مرکز: بیانگر فاصله مکانی- جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است. |
| انزوا و حاشیه­ای بودن: مناطق مرزی، بویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت ها ی عمیق عملکردی-ساختاری هستند. |
| ناپایداری الگوی اسکان و سکونت: به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب العبور هستند. |
| نظام و الگوی مراودات و تبادلات: مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مراوده ای خود در مرز حایل سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش های اقتصادی ویژه برخوردارند. |
| تفاوت­های قومی – فرهنگی و نژادی: معمولاً و در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده ای دارند و تنوع قومیت ها در آن شدید است، مسأله تفاوت­های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی حالت شدید تری به خود می­گیرد. |
| تهدیدات خارجی: مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای همجوار، که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد. |
| ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی: در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی مشاهده می­شود که عموماً مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه ای در کشور می­شود. |

مأخذ: عندلیب، 1379

توجه بیشتر به مناطق مرزی با توجه به محرومیت زیاد آن مناطق، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شکل گیری رابطه مرکز – پیرامون در داخل کشور، شرایط جدیدی را رقم می­زند که این شرایط جدید مراکز را به تجدید نظر در روابط خود با پیرامون وادار می سازد. این رابطه نوین بین مرکز و پیرامون کاملاً با شرایط قبل متفاوت است و به ایجاد همگرایی بین آنها منجر شده که در صورت توفیق، نگاه جمعیت مرز نشین به سمت درون و همگرایی معطوف می­شود، که خود باعث توسعه فضایی مناطق مرزی می­شود(عندلیب، 1380: 35). اقتصاد مناطق مرزی می­تواند نقش اساسی در ترقی و پیشرفت و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر و تسریع همکاری­های بیشتر بین نواحی مرزی ایفا کند(چاندویت و همکاران، 2004: 145).

**3-2 فضای کسب و کار و شاخص­های آن**

فضای کسب و کار به آن دسته از عوامل موثر بر عملکرد بنگاه های اقتصادی گفته می­شود که مدیران بنگاه ها نمی توانند آن را تغییر داده یا بهبود بخشند. آزاد بودن و شفافیت قیمت­ها، رقابتی بودن بازار و حفظ حقوق مالکیت سه شرط لازم برای فعالیت اقتصادی بخش خصوصی و کارا بودن اقتصاد است. و نقش دولت در بهبود این فضا و فراهم آوردن شرایط مناسب جهت جذب فعالیت بخش خصوصی بسیار مهم است. تجربه جهان نشان می­دهد تنها در شرایط مساعد کسب و کار، یک بنگاه می­تواند به صورت کارا و بهینه عمل کند.

در یک بیان ساده و صریح، می­توان اذعان داشت که بخش قابل توجهی از مقتضیات رشد اقتصادی هر کشور در گرو فضای کسب و کار مناسب در آن کشور است. تأثیر فضای کسب و کار بر سرمایه گذاری را می­توان از حوزه­های استراتژیک توسعه صنعتی تلقی کرد که عمدتاً ناشی از عواملی چون بهره وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه گذاری، آزادی­های اقتصادی تولید کنندگان و ظرفیت­های تولیدی است. از طرف دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت­پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل موثر بر رقابت­پذیری کشورها در اقتصاد جهانی می­باشد.

بهبود شرایط و شاخص­های فضای کسب و کار از جمله توسعه نظام بانکی و کاهش زمان لازم برای اخذ مجوز، زمینه ساز رشد و پویایی در هر کشوری را فراهم می­آورد به گونه­ای که با افزایش اعتبارات و دارایی های بانکی به عنوان پشتوانه و تأمین کننده اصلی مالی در اکثر کشورها مطرح می­باشد، باعث بهبود فضای کسب و کار و تولیدی کشور می­شود(بختیاری و شایسته، 1391: 178- 177). هر چند واژه فضای کسب و کار در دهه­های اخیر به عنوان یکی از کلید واژه­های مهم در مباحث اقتصاد کلان مطرح شده است، با تأملی در مباحث انجام شده پیرامون توسعه اقتصادی و پیش نیازهای یک اقتصاد شکوفا و رو به رشد خواهیم دید که این مفهوم همواره مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان بوده است. در سال های اخیر این مفهوم با دقت و ظرافت بیشتری مورد توجه اقتصاد دانان قرار گرفته است و صاحب نظران کوشیده­اند این مفهوم را با دقت و حساسیت بیشتری مورد توجه قرار دهند(میدری و قودجانی، 1387).

به عبارت دیگر فضای کسب و کار متغیرهای موثر بر کسب و کار بنگاههای اقتصادی است که خارج از تسلط و قدرت آن بنگاه­ها است اما بر نتیجه تلاش آنها بسیار موثر است. یک بنگاه برای کسب و حفظ مزیت رقابتی همواره می­بایست نسبت به تغییرات فضای کسب و کار هوشیار بوده و آن را رسد نماید تا بتواند استراتژی­های خود را به درستی تغییر داده و در صورت لزوم برنامه­ریزی جدید انجام دهد و در این راستا روش­هایی برای بررسی فضای کسب و کار توسط بنگاه وجود دارد(سالاری، 1390). بنابراین شاخص فضای کسب و کار، مهمترین شاخص اقتصادی در رشد و شکل گیری بخش خصوصی و افزایش رشد اقتصادی جامعه است. در ادامه شاخص­های فضای کسب و کار در قالب جدول زیر ارائه گردیده است.

**جدول(2) شاخص­های فضای کسب و کار**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **مولفه های فضای کسب و کار** | **شاخص های سنجش** | **فرایند** | **نهاد زیربط** |
| **شروع کسب و کار** | شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، هزینه(درصد از درآمد سرانه) مورد نیاز | ثبت شرکت | قوه قضاییه(اداره ثبت شرکت ها، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) و سازمان بورس و اوراق بهادار |
| **سهولت اخذ مجوز** | شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز و هزینه(درصد از درآمد سرانه) کسب مجوز | فرایند لازم الرعایه از اخذ مجوز تا تأسیس و راه اندازی یک کارگاه | وزارت صنایع، وزارت بهداشت، شهرداری ها و اصناف و اتحادیه­ها و ... |
| **اشتغال نیروی کار** | شامل شاخص سختی استخدام(100-1)، عدم انعطاف ساعات کاری(100-1)، شاخص سختی اخراج(100-1)، عدم انعطاف اشتغال(100-1)، هزینه استخدام(درصد از حقوق) و هزینه اخراج(درصد از حقوق) | آگهی دعوت به کار | سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار |
| **ثبت مالکیت** | شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، هزینه(درصد از درآمد سرانه) ثبت اموال | فرایند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی | سازمان ثبت اسناد و املاک کشور |
| **اخذ اعتبارات** | شامل شاخص توانمندی قانون(1-10)، شاخص اطلاعات اعتباری(0-6)، پوشش اطلاعات اعتبار سنجی در بخش دولتی(درصد) و پوشش اطلاعات اعتبار سنجی در بخش خصوصی(درصد) | فرایند لازم برای تأمین مالی | بانک ها |
| **حمایت از سرمایه گذاران** | شامل سطح افشاگری، اندازه مسئولیت مدیران(1-10)، پوشش آسان اطلاعات مورد نیاز سهامداران(1-10)، توانایی حمایت از سرمایه گذاران(1-10). | فرایندی که فراهم آورندگان نیازهای مالی و فنی طرح، از حفظ حقوق خود اطمینان حاصل نمایند | نهاد ناظر سرمایه(سازمان بورس و اوراق بهادار با مشارکت نهادهای جزایی و کیفری قوه قضاییه |
| **تجارت فرامرزی** | شامل تعداد اسناد موردنیاز برای صادرات، زمان مورد نیاز برای صادرات(روز)، هزینه صادرات(دلار)، تعداد اسناد مورد نیاز برای واردات، زمان مورد نیاز برای واردات(روز) و هزینه واردات(دلار) | مقررات و تسهیلاتی که در صورت نیاز به واردات یا صادرات محصول تولیدی به آن اتکا می­شود. | وزارت بازرگانی به ویژه گمرک |
| **سهولت اجرای قراردادها** | شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز و هزینه(درصد از بدهی) | شناسایی بنگاه به عنوان یک شخصیت حقوقی و دارای شناسه فعالیت در بازارها که مقررات موجود در اقتصاد بر آنها نیز مصداق یابد. | قوه قضاییه، قوه مقننه،(اصلاحات پویا در قوانین و مقررات موجود در کشور از جمله قوانین تجارت کار و مالیات که مرتبط با سیستم اقتصادی کشور هستند. |
| **سهولت پرداخت مالیات** | شامل تعداد مراحل، زمان مورد نیاز، مالیات بر سود(درصد)، مالیات بر حقوق و دستمزد(درصد)، نرخ کل مالیات(درصد) | فرایندی که پرداخت عوارض و حقوق دولتی بر آن اساس صورت می گیرد | سازمان مالیاتی |
| **خاتمه کسب وکار** | شامل زمان(سال)، هزینه(درصد دارایی) و نرخ وصول | ضوابطی که در صورت ورشکستگی یا قبضه شرکت توسط شرکت دیگر و با تغییر موضع فعالیت بنگاه یا شرکت باید رعایت شود. | اداره ثبت شرکت­ها(سازمان ثبت اسناد) و سازمان امور مالیاتی |

مأخذ: (بانک جهانی، صالح آبادی، 1388).

مهمترین عوامل موثر بر فضای کسب و کار به شرح زیر است:

**دولت**: دولت نقش مهمی در حمایت از حقوق مالکیت، فراهم کردن زیرساخت­ها، عملکرد بازارهای پولی، مالی و نیروی انسانی، نظارت بر فعالیت­های اقتصادی و کنترل فساد دارند. کمک­های بنگاه ها به اقتصاد نیز تحت تأثیر فضای آزاد رقابتی و شفاف سرمایه­گذاری است که دولت در شکل­گیری و بهبود آن نقش عمده­ای دارد(خلیلی و همکاران، 1394: 71).

نهادهای اقتصادی: عدم وجود نهاد­های اقتصادی مناسب که پشتیبان فعالیت­های اقتصادی سالم است و شکل گیری محیط نامناسب کسب و کار، هزینه های بیشتری بر کسب و کارهای کوچک تحمیل می کند. این در حالی است که کسب و کارهای بزرگ قدرت بیشتری در تأثیر گذاری بر محیط پیرامون خود دارند.

**نظام حقوقی**: یکی از فرضیات سازمان انجام کسب و کار این است که آن گروه از فعالیت های اقتصادی مورد حمایت قوانین مناسب هستند که در آن حقوق مالکیت شفاف، هزینه و زمان رسیدگی به حل اختلاف پایین، تعاملات اقتصادی قابل پیش بینی و طرفین قرارداد از سوء استفاده و تجاوز متجاوزین محفوظ باشند.

**عوامل محیطی**: عوامل محیطی تشکیل دهنده فضای کسب و کار هم می توانند موجب فرصت های مناسبی برای فعالیت بنگاه ها باشند و هم می توانند حاکی از وجود تهدیدهایی برای فعالیت بنگاه باشند.

**جمعیتی**: در این زمینه از جمله می توان به عرضه نیروی کار، مراکز جمعیتی و تقاضای کالا و خدمات اشاره کرد.

**جغرافیایی و اکولوژیکی**: اقلیم جغرافیایی مشترک موجب شکل گیری نیازهای یکسان و الگوی ترجیحات مصرفی مشابه می­گردد.

**3-3 نقش بهبود فضای کسب و کار در رونق اقتصادی و تولید**

محیط کسب و کار شامل نهادها، مقررات و رویه های اداری مندرج در محیط فعالیت­های اقتصادی است و به نوعی هزینه­های غیر فنی فعالیت اقتصادی را را تعیین می­کند. هرچه مراحل، هزینه­ها و زمان انجام مراحل ثبت شرکت، اخذ مجوز از شهرداری و سایر دستگاههای مرتبط برای تأسیس محل فعالیت، دریافت انشعاب برق، استخدام و اخراج کارکنان، ثبت دارایی در ثبت املاک، اخذ تسهیلات و اعتبارات، حمایت از حقوق سهامداران جزء، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، صدور حکم در نظام قضایی و اعلام ورشکستگی و خاتمه بخشیدن به کسب و کار کمتر باشد هزینه­های شروع و تداوم فعالیت اقتصادی کاهش و احتمال شکل­گیری کسب و کارها افزایش می­یابد(طیبی و همکاران، 1394: 468- 467).

محیط کسب و کار در ایجاد رشد اقتصادی نقش عمده­ای بر عهده دارد زیرا اولاً: محیط کسب و کار نامناسب هزینه­های تولید را بالا می برد، زیرا بنگاه ها با دو نوع هزینه روبرو هستند: یکی هزینه ای که بنگاه پرداخت می­کند و دیگری هزینه­ای که محیط تحمیل می­کند. مشکل بعدی این است که محیط کسب و کار نامناسب یا شرکت­ها را بیش از اندازه بزرگ یا بیش از اندازه کوچک می­کند و امکان تعامل بین شرکت­های کوچک و بزرگ را از بین می­برد زیرا از یک سو بزرگ شدگی نامناسب شرکت­ها وجود دارد که که ناشی از این است که مسئولین بنگاه حس می­کنند اگر کار را به دیگری بسپارند مشکلات غیر قابل کنترلی ایجاد می­شود. بنابراین واحدهایی را ایجاد می­کنند که در آنها تخصص ندارند و از این رو متحمل هزینه­های اضافی می­شوند. همچنین محیط کسب و کار نامناسب، امکان مشارکت­های مالی را کاهش می­دهد و وقتی هم سیستم قضایی نامناسب باشد یا امنیت به درستی تعریف نشده باشد، امکان مشارکت مالی در اقتصاد پایین می­آید. مشکل دیگر محیط کسب و کار نامناسب این است که بنگاه­های بزرگ و کوچک قادر به ایجاد شبکه نیستند، این در حالی است که در کشورهای با سیستم قضایی و حقوقی یکپارچه و روان شبکه سازی بسیار آسان است.

امروزه این شبکه ها هستند که با یکدیگر در رقابت هستند، یعنی یک بنگاه منفرد نیست، و اهمیت تولید شبکه­ای در ایجاد بهره­وری و قدرت رقابت پذیری است. نتیجه دیگر محیط نامناسب کسب و کار، حرکت بنگاه به سمت اقتصاد غیر رسمی است، به طوری که تولید کننده از پرداخت مالیات فرار می کند، اما در اثر آن نمی­تواند وام بگیرد و رشد نماید، یعنی اقتصاد غیر رسمی، مؤید کوچک ماندن بنگاه­هاست. بنابراین یکی از الزامات و پیش نیازهای رشد اقتصادی، آسان سازی محیط کسب و کار است. زمانی که مقررات کسب و کار بنگاه ها پرهزینه و دردسر ساز باشد، آنها به فعالیت در بخش غیر رسمی متمایل می شوند. از آنجا که امکان سرمایه گذاری های بزرگ و گسترش فعالیت­های بنگاه در بخش غیر رسمی میسر نیست، مقیاس این بنگا­هها کوچک مانده و به شرایط صرفه­های ناشی از مقیاس نمی­رسند و در نتیجه، رشد اقتصادی و اشتغال کمتری ایجاد می­شود(شهنازی و دهقانی شبانی، 1388).

**3-4 شکل گیری اقتصاد واسطه گری و غیر مولد در شرایط عدم رونق اقتصادی**

شرایط نامناسب حاکم بر فضای کسب و کار اقتصاد، زمینه فساد اقتصادی، توسعه بخش غیر رسمی و اقتصاد پنهان و همچنین کوچک و محدود شدن فعالیت بنگاه های اقتصادی در بخش رسمی که گسترش و ادامه این روند اقتصاد کشورها را با معضلاتی جدی مواجه می­سازد و به نقش دولت در جامعه آسیب می­زند، قدرت و برنامه­ریزی و پیش بینی را از جامعه می­گیرد و با بسط محدودیت بر بخش­های مختلف، رشد اقتصادی کشور را محدود می­کند. این پدیده را می­توان علت و معلول شرایط نامناسب حاکم بر فضای کسب و کار و بنگاه های اقتصادی دانست زیرا در فضایی که فعالیت بنگاه ها در بخش رسمی، دربردارنده مراحل اداری پیچیده و دست و پا گیر باشد، انجام این مراحل هزینه­های فراوانی را به بنگاه تحمیل می­کند و زمانی طولانی برای پیمودن آن تلف می­شود. تشدید این شرایط بنگاه را از بخش رسمی خارج می­سازد و بنگاه ترجیح می­دهد که فعالیت خود را در بخش غیر رسمی ادامه دهد. اصلاح فضای نامساعد تحمیلی به بنگاه­های اقتصادی در قالب اصلاح شاخص­های کسب و کار می­تواند موجب ایجاد مزیت برای فعالیت در بخش رسمی شود و در کاهش اقتصاد پنهان و بخش غیر رسمی در اقتصاد موثر باشد. یکی از راهکارهای تأثیرگذار در گسترش بخش رسمی اقتصاد و جلوگیری از فساد، آسب شناسی فضای انجام کسب و کار در بخش­های مختلف کشور است. اقتصاد پنهان به طور کلی به بخشی از فعالیت­های اقتصادی اطلاق می­شود که یا به دلیل فقدان اطلاعات کافی محاسبه شدنی نیست، یا اینکه به دلیل غیر قانونی بودن در حساب های ملی در نظر گرفته نمی­شود. بنابراین می­توان فعالیت­های اقتصادی خارج از اقتصاد رسمی را در زمره اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد پنهان به شمار آورد. فعالیت­های مخفیانه اقتصادی، یا به دلیل غیر قانونی بودن موضوع فعالیت است که به طور مستقیم در زمره فساد قانونی قرار می­گیرد و یا به دلیل اجتناب تنظیمی و فرار از قوانین و مقررات اقتصادی حاکم بر بخش رسمی است که فساد اقتصادی قلمداد می­شود. یکی از بخش­های مهم اقتصاد پنهان و بخش زیرزمینی اقتصاد، تجارت و بازرگانی و داد و ستد کالا در بخش غیر رسمی است که به آن قاچاق کالا می­گویند. بوروکراسی بالا و مقررات دست و پا گیر گمرکی و مشکلات مرتبط با سیاست های تجاری از قبیل موانع تعرفه­ای و غیر تعرفه­ای موجب شده است در بخشی از تجارت کشور در صادرات و واردات، از مبادی غیر رسمی استفاده شود و یا کالا از مبادی رسمی و به صورت غیر قانونی عبور داده شود. در هر کشوری که مقررات کسب و کار بنگاه پر هزینه و دردسر ساز است، بنگاه­ها تمایل بیشتری به فعالیت در بخش غیر رسمی دارند. با توجه به آنکه امکان سرمایه گذاری­های بزرگ و گسترش فعالیت­های بنگاه ها در بخش غیر رسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه­ها معمولاً کوچک باقی می­ماند و آنها به شرایط تولید انبوه و بازدهی نسبت به مقیاس نخواهند رسید و در نتیجه رشد اقتصادی اندکی را به وجود می آورند و مشاغل کمتری را تولید می­کنند. اصلاح فضای کسب و کار و اعمال محدودیت برای اقتصاد پنهان به طور مستقیم با کاهش ریشه­ای و پایدار مفاسد اقتصادی رابطه دارد، زیرا کلیه فعالیت­های غیر قانونی و مجرمانه به دلیل تمایل به مخفی ماندن از نظارت ضابطان قضایی، در بخش اقتصاد پنهان فعالیت می­کنند. بسیاری دیگر از فعالان اقتصادی نیز به دلایل مختلف مانند فرار مالیاتی، استفاده غیر مجاز از نیروی کار، عدم دریافت مجوزهای قانونی، و نظایر اینها به بخش غیر رسمی می­پردازند. بنابراین انجام هرگونه اصلاحاتی در فضای کسب و کار که برای فعالیت در بخش رسمی مطلوبیت ایجاد می­کند و باعث محدودیت فعالیت در اقتصاد پنهان شود، به کاهش مفاسد اقتصادی می انجامد(تاری و غلامی باغی، 1388).

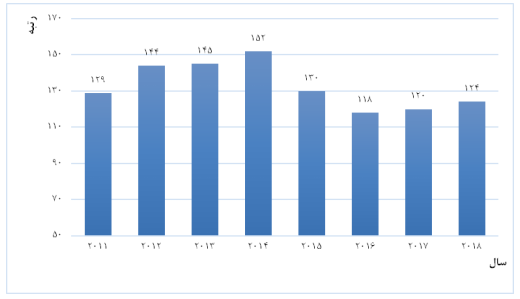
**4- یافته­های تحقیق**

**4-1 وضعیت فضای کسب و کار در ایران**

در گزارش سال 2018 بانک جهانی درباره وضعیت فضای کسب و کار ایران با چهار رتبه تنزل نسبت به گزارش سال 2017، در رتبه 124 از میان 190 کشور قرار گرفته است. تنها اصلاح ثبت شده در گزارش سال 2018 برای ایران، بهبود دسترسی به اطلاعات برای اخذ اعتبار است که به بهبود رتبه ایران در یکی از نماگرهای شاخص انجام کسب و کار، یعنی نماگر«اخذ اعتبار» از 101 به 90 و بهبود سنجه «فاصله پیشرو»[[1]](#footnote-2) برای ایران از 56.22 در سال 2017 به 56.48 در سال 2018 منجر شده است. اما در مجموع، با توجه به پیشرفت سایر کشورها و کندی اصلاحات در ایران، رتبه نامطلوب تری نسبت به سال گذشته برای کشور رقم خورده است(گزارش مرکز پژوهش­های مجلس شورای اسلامی، 1396: 3-2).

**شکل(1) رتبه ایران در گزارش انجام کسب و کار بانک**

**جهانی، سال های 2011- 2018**



Source:www.doingbusiness.org

نمودار(1) رتبه ایران را در گزارش انجام کسب و کار با نک جهانی در سالهای 2011 تا 2018 نشان می­دهد. همانگونه که در نمودار قابل مشاهده است از سال 2015 روند رو به بهبودی در رتبه ایران در گزارش انجام کسب و کار آغاز شده بود به نحوی که جمهوری اسلامی ایران از رتبه 152 در سال 2014 به 118 در سال 2016 رسید. بررسی گزارش­های سالهای 2016 تا 2014 بانک جهانی نشان می­دهد در این دوره تنها دو مورد اصلاح در گزارش­های انجام کسب و کار برای ایران ثبت شده و بخش عمده تغییر رتبه ایران در این سالها به دلیل بازنگری بانک جهانی در داده­ها اتفاق افتاده است.در گزارش سال های 2017 و 2018 مجدداً روند رو به تنزل در رتبه ایران آغاز شده است که عمده ترین دلیل آن این است که اصلاحات محیط حقوقی و اداری کسب و کار در ایران به کندی پیش می­رود(www.doingbusiness.org).

گزارش سال 2019 سهوات کسب و کار بانک جهانی نشان می­دهد ایران با 4 پله تنزل نسبت به سال 2018، در رتبه 128 از میان 190 کشور و در مقایسه با کشورهای سند چشم انداز، با یک رتبه تنزل نسبت به سال قبل در جایگاه نوزدهم از 25 کشور قرار گرفته است. این درحالی است که دولت طبق ماده(22) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، مکلف شده در هر سال رتبه کشور را در شاخص انجام کسب و کار 10 رتبه ارتقا دهد تا به کمتر از 70 در پایان اجرای قانون برنامه ششم(1400) برسد.

طبق گزارش سال 2019، در نماگرهای«ثبت مالکیت»، «اخذ اعتبار حمایت از سهامداران خُرد»، «اجرای قراردادهام و «حل و فصل ورشکستگی» هیچ تغییری در امتیازات ایران ایجاد نشده و به تبع آن، تغییری در سنجه «فاصله از پیشرو» نیز مشاهده نمی­شود بهبود جزئی در امتیاز نماگرهای«شروع یکی کسب و کار»،«اخذ مجوزهای ساخت و ساز» و «دسترسی به برق» نیز به دلیل کاهش جزئی در هزینه­های نسبی بوده است. افزایش امتیاز نماگرهای«پرداخت مالیات» و «تجارت فرامرزی» نیز به دلیل اصلاحات دولت در این حوزه ها بوده است(تجارت نیوز، 1397).

**جدول(3) وضعیت سه شاخص رتبه فضای کسب و کار، رشد اقتصادی و نرخ بیکاری**

**در کشور در فاصله سالهای 2010 تا 2019**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **سال** | **رتبه جهانی فضای کسب و کار** | **رشد اقتصادی کشور** | **نرخ بیکاری کشور** |
| **2010** | 131 | 6.5 | 13.5 |
| **2011** | 129 | 4.3 | 12.3 |
| **2012** | 144 | 6.8- | 12.2 |
| **2013** | 132 | 1.9- | 11.7 |
| **2014** | 130 | 10.6 | 10.6 |
| **2015** | 119 | 10.4 | 10.4 |
| **2016** | 118 | 4.6 | 12.4 |
| **2017** | 120 | 3.8 | 12.1 |
| **2018** | 124 | 4.7- | 12 |
| **2019** | 128 | 8.7- | 12.8 |

منبع: مرکز آمار ایران ، www.doingbusiness.org

**4-2 ارتباط فضای کسب و کار در کشور با شاخص های اقتصادی و پدیده مهاجر فرستی مناطق مرزی**

وضعیت فضای کسب و کار در سال های مختلف بر روی شاخص­های اقتصادی کشور تأثیر دارد و با بهبود این شاخص همچنانکه در نمودارهای 1 تا 3 مشخص می­باشد، رشد اقتصادی نیز بیشتر می شود و حتی اثر آن بر بیکاری تقریباً محسوس می­باشد. به عنوان مثال با بدتر شدن رتبه شاخص فضای کسب و کار در کشور در سال 2012 که 144 می باشد. رشد اقتصادی نیز در آن به م 6.8 –(منفی) می­رسد. این مسأله نیز برای سال های 2018 و 2019 نیز صادق است که رشد اقتصادی به 4.7- و 8.7- (منفی) رسیده است و نیز نرخ بیکاری در این دوسال به ترتیب به 12 و 12.8 رسیده است.

با توجه به نمودارهای 1 تا 3 که وضعیت شاخص­های اقتصادی در کشور را نشان می­دهند و با توجه به این مسأله که پدیده مهاجر­فرستی در مناطق مرزی می تواند معلول وضعیت اقتصادی نامناسبی می­باشد که در کشور بوجود آمده است بنابراین می­توان گفت مناطق مرزی دارای منابع بالقوه برای سرمایه­گذاری هستند؛ به دلیل قوانین دست و پاگیر در زمینه کسب و کار نتوانسته­اند جاذب سرمایه­گذاران باشند بنابراین اگر شاخص­های فضای کسب و کار در کشور بهتر باشد می­توان گفت حجم زیادی از مهاجرت­های این مناطق که بیشتر از بیکاری نشأت می­گیرد را با بهتر کردن شاخص­های فضای کسب و کار مدیریت کرد. به طوریکه در نمودارها مشخص است با بهتر شدن رتبه فضای کسب و کار در کشور و رشد اقتصادی میزان بیکاری نیز تا حدودی کاهش پیدا کرده یا ثابت بوده است.

**شکل(2) رتبه فضای کسب و کار کشور**

**شکل(3) نرخ رشد اقتصادی کشور**

**شکل(4)نرخ بیکاری در کشور**

**4-3 تأثیر مولفه­های کسب و کار بر مهاجر فرستی مناطق مرزی**

آسانتر شدن فرایندهای کسب و کار در همه نقاط کشور موجب سامان گرفتن فعالیت­های تولید و اشتغال در کشور شده و از مهاجرت نیروی کار از مناطق مرزی به شهرهای بزرگ نظیر تهران و اشتغال به مشاغل کاذب تا حدود زیادی جلوگیری می­کند. جدول شماره(4) چگونگی تأثیر مولفه­های کسب و کار بر ساماندهی مناطق مرزی برای کاهش پدیده مهاجر فرستی مناطق مرزی را به صورت مصداقی نشان می­دهد. بنابراین با بهتر شدن مولفه­های فضای کسب و کار در کشور سرمایه­گذاری­ها به سمت مناطق مرزی سوق پیدا کرده و از مهاجرت نیروی کار این مناطق تا حدودی جلوگیری خواهد شد.

**جدول شماره(4) چگونگی تأثیر مولفه­های کسب و کار بر ساماندهی مناطق مرزی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **مؤلفه های کسب و کار** | **اثرات مؤلفه های کسب و کار** | **مؤلفه های ساماندهی مناطق مرزی** |
| **شروع کسب و کار** | -افزایش تعداد بنگاه­های تأسیس شده  -افزایش سطح سرمایه گذاری در بنگاه های اقتصادی  -ایجاد مشاغل جدید  انتقال بنگاه از بخش غیر رسمی به رسمی  - پایه مالیاتی دولت گسترش می­یابد و دولت می تواند بار مالیاتی شرکت ها را کاهش دهد  - انگیزه بخش خصوصی برای فعالیت اقتصادی | شکستن انحصار قدرت اقتصادی، تمرکز ثروت، تمرکز امور تجاری، تمرکز بخش خصوصی در استان­های مرکزی کشور به سود مناطق مرزی  انتقال صنایع و کارگاه ها از استان­های مرکزی به مناطق مرزی  هدایت پتانسیل­ها و ظرفیت­های تولیدی به مناطق مرزی  بهبود و فراهم آوری شرایط اقتصادی مطلوب در شهرهای کوچک روستاهای مناطق مرزی  مشارکت دادن مردم مناطق مرزی در امور اقتصادی  بهبود شرایط تولید و سرمایه گذاری در سایر نقاط کشور با هدف اشتغالزایی  توجه به گسترش فعالیت­های توسعه ملی و استانی |
| **دریافت مجوز** | -گسترش فعالیت اقتصادی با ساده­سازی و کاهش هزینه­های اداری  -کاهش قیمت تمام شده زیرساخت­های مورد نیاز بنگاه­های اقتصادی  -گسترش اقتصاد رسمی  -گسترش سطح ایمنی جامعه و صرفه جویی در هزینه دولت برای اعطای مجوزها و بازرسی محدودتر | از بین بردن تمرکز اداری در استان های مرکزی(نظیر تهران)  توجه به اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات(به نفع مناطق مرزی)  انتقال دفاتر و دستگاههای اجرایی مربوط به فعالیت اقتصادی از استانهای مرکزی به مناطق مرزی |
| **استخدام نیروی کار** | رفع تبعیض­های جنسیتی، نژادی و سنی  برخورداری نیروی کار از مواهب بیمه تأمین اجتماعی، مستمری بازنشستگی، بیمه درمان، بیمه کار و ...  حمایت قضایی در مواقع سوء استفاده کارفرما  تشدید مقررات بازار کار، به گسترش اشتغال در اقتصاد غیر رسمی و عدم بهره­مندی از بیمه، مستمری و بازنشستگی حمایت قضایی و... می شود.  عدم انعطاف در مقررات اشتغال باعث استفاده نیروی کار به صورت رسمی و جلوگیری از ورود به بخش غیر رسمی می­شود. | حمایت بیشتر از بخش خصوصی در فعالیت­های اقتصادی |
| **ثبت دارایی** | گسترش فرهنگ ورود به اقتصاد رسمی و در نتیجه گسترش فعالیت اقتصادی  گسترش حقوق مالکیت  بنگاه­های اقتصادی که ثبت اموال و دارایی­های خود را ثبت می­کنند، دسترسی آسان تری به منابع و تسهیلات بانکی دارند. | از بین بردن تمرکز اقتصادی در استان­های مرکزی به نفع استانهای مرزی  توجه به اصلاح و بازبینی مقررات  بهبود روند اعطای تسهیلات بانکی و غیر بانکی به فعالان اقتصادی |
| **دریافت تسهیلات بانکی** | توسعه گسترش فعالیت بنگاههای اقتصادی  اصلاح نظام بانکی با هدف افزایش وام و کاهش تعداد درخواست­های بدون پاسخ، باعث توسعه سرمایه گذاری بنگاه ها در بخش خصوصی و رشد اقتصادی می­شود. | بهبود روند تسهیلات بانکی به فعالان اقتصادی  از بین بردن تمرکز قدرت اقتصادی و تمرکز امور تجاری در مرکز کشور  توجه به اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات  تهیه ضوابط و مقررات تسهیل کننده برای سرمایه گذاری در مناطق مرزی  کاهش سرمایه گذاری در استانهای مرکزی کشور  مشارکت دادن مردم در امور اقتصادی در مناطق مرزی |
| **حمایت از سرمایه گذاران** | افزایش حجم سرمایه­گذاری  نقدینگی لازم برای کارآفرینان  افزایش رشد اقتصادی  گسترش بازار سهام | از بین بردن تمرکز اقتصادی  از بین بردن تمرکز امور تجاری  از بین بردن تمرکز بخش خصوصی  بهبود شرایط تولید و سرمایه گذاری در سایر نقاط کشور با هدف اشتغال زایی  توجه به گسترش فعالیت­های توسعه ملی و استانی |
| **پرداخت مالیات** | گسترش منافع بخش خصوصی و دولت  کاهش بار مالیاتی بنگاه­ها منجر به افزایش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می شود | وضع مالیات­های بیشتر بر احدها اقتصادی مستقر در شهرها و استان های مرکزی کشور  معافیت مالیاتی در مناطق مرزی کشور |
| **تجارت خارجی** | تنظیم بازار  برقرای ارتباط با خارج از قلمرو گمرکی و استفاده از عرضه و تقاضا بازارهای خارجی منجر به بهبود زیرساخت­های تجاری می­شود  تسهیل تشریفات گمرکی منجر به کاهش قاچاق می شود  جلوگیری از قاچاق، درآمدهای پیش بینی شده از راه مالیات بر واردات نیز حاصل می شود. | از بین بردن تمرکز قدرت اقتصادی  از بین بردن تمرکز ثروت  کاهش سرمایه گذاری در مناطق مرکزی |
| **اجرای قراردادها** | کسب تسهیلات و اعتبارات از موسسات اعتباری  ورود بنگاه­های جدید به اقتصاد  ایجاد فرصت های شغلی جدید | مشارکت بخش خصوصی در عرصه فعالیت­های اقتصادی  بهبود شرایط تولید و سرمایه گذاری در مناطق مرزی کشور با هدف اشتغال زایی |
| **پایان کسب و کار** | رفع مشکلات پایان کسب و کار منجر به افزایش انگیزه برای سرمایه گذاری و شروعی تازه می­شود.  مطالبات وصولی افزایش می­یابد  می­توان سطح بهینه­ای از اشتغال و سرمایه گذاری را ایجاد کرد.  کاهش ریسک مالی | از بین بردن تمرکز اقتصادی  توجه به اصلاح و بازبینی قوانین و مقررات  اعطای مشوق­های به سرمایه گذاران در مناطق مرزی  پرهیز از طولانی شدن فرایند اعلام ورشکستگی کسب و کار |

**5- نتیجه گیری**

مناطق مرزی به دلیل دوری از مرکز کشور دارای مشکلات عدیده­ای هستند که مربوط به عدم توازن در زمینه­های مختلف است در کشورمان یک نوع مدل مرکز پیرامون شکل گرفته است که استان­های مرکزی دارای سطح بالایی از توسعه؛ و استان های مرزی و حاشیه­ای از سطح توسعه پایینی در ابعاد مختلف برخوردارند. به دلیل اینکه استان­های مرکزی دارای سطح بالایی از توسعة اقتصادی و صنعتی هستند این مسئله باعث جذب نیروی کار مناطق و استان­های مرزی می­شود و جمعیت این مناطق در قالب مهاجرت­های بی رویه که بیشتر آنها برای به دست آوردن شغل است به سمت مناطق مرکزی حرکت کرده و علاوه بر اینکه مناطق مرزی را از نیروی انسانی فعال تُهی می­سازد باعث ایجاد مشکلات عدیده­ای در استانهای مرکزی(نظیر تهران) می­شود و یک نوع عدم توازن در استقرار جمعیت را به وجود می­آورد. با توجه به اینکه مهمترین دلیل مهاجرت از مناطق مرزی توزیع نامتعادل فرصت­های شغلی در کشور است(اکثریت فعالیت­های اشتغالزا در استانهای مرکزی کشور است) اگر متولیان امر بتوانند وضعیت فضای کسب و کار و قوانین دست و پا گیر در زمینه تسهیل فعالیت های اشتغالزار را در کشور به صورت مطلوب در آورند زمینه برای تحرک تولید و افزایش سرمایه­گذاری ها در مناطق مرزی فراهم خواهد شد و پدیده مهاجر فرستی را که مهمترین معضل این مناطق است را تا حدودی رفع خواهند کرد و راه برای توسعه متوازن کشور فراهم خواهد شد. در نهایت می­توان این گزاره را ارائه داد که؛ بهبود فضای کسب و کار برابر است با افزایش سرمایه گذاری در مناطق مرزی؛ و ساماندهی و جلوگیری از مهاجر نیروی کار از این مناطق. بنابراین فرایند ای مسأله را می توان به صورت زیر نشان داد.

**شکل(5) فرایند رابطه بهبود فضای کسب و کار در کشور با ساماندهی مناطق مرزی**

**1ـ ساماندهی مناطق مرزی**

**2ـ عدم مهاجر فرستی مناطق مرزی**

**بهبود فضای کسب و کار در کشور**

**افزایش سطح سرمایه گذاری در مناطق مرزی**

**منابع و مأخذ**

1ـ بختیاری، صادق و افسانه شایسته(1391)، بررسی تأثیر بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با تأکید بر ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ششم، شماره نوزدهم، تابستان.

2ـ تاری، فتح الله و سعید غلامی باغی(1388) اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی موثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی، فصلنامه مجلس پژوهش، سال 14، شماره 58.

3ـ تجارت نیوز(1397)، گزارش با نک جهانی از فضای کسب و کار در ایران، دوشنبه 13 اسفند. قابل دسترسی در لینک: <https://tejaratnews.com/>

4ـ خلیلی فرید و همکاران(1394) فضای کسب و کار در استان کرمانشاه: وضعیت و جایگاه آن در کشور، مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار

5ـ سالاری، ابوذر(1390)، بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار، ماهنامه بررسی و سیاست های اقتصادی شماره 9 و 10.

6ـ شهنازی، روح الله و زهرا دهقانی شبانی(1388)، بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، پژوهشنامه اقتصادی

7- صالح آبادی، علی(1388)، نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار، ماهنامه بررسی سیاست های اقتصادی، شماره 9 و 10.

8ـ طیبی، سید کمیل، زهرا زمانی و نسرین کریمی(1394)، سناریوی بهبود محیط کسب و کار و رشد تولید بخش های اقتصادی کشور در شرایط پساتحریم، مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار، جلد دوم.

9ـ عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف(1379)، تجربه های آمایش مناطق مرزی دو پارة آلمان و درس هایی برای ایران، صفه، شماره 29، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

10ـ مختاری هشی، حسین، امین مرادی و گلناز ناصرالاسلامی(1395)، نقش بهبود فضای کسب و کار در کشور در ساماندهی شهر تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره چهارم، زمستان .

11ـ مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی(1396)، وضعیت ایران در گزارش انجام کسب و کار بانک جهانی سال 2018 و ارزیابی عملکرد دولت یازدهم در بهبود رتبه کشور، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی 220، شماره مسلسل 15620، آذرماه.

12ـ میدری، احمد و اصلان قودجانی(1387)، سنجش و بهبود محیط کسب و کار، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

13- Chandoevwit, worawan; yongyuth chalamwong; srawooth paitoonpong (2004), Thailand cross  
border economy, Thailand Development resource institute

14- Gregory, Derek, Johnston, Ron, Pratt, Geraldine, Watts, Michael J, and Whatmore, Sarah (2009),  
the Dictionary of Human Geography, 5th Edition, New York, John Wiley & Sons.

1. . سنجه«فاصله از پیشرو» به معنی فاصله هر کشور از بهترین کشور است که در مقیاس صفر تا 100 اندازه گیری می شود و هرچه این عدد به 100 نزدیکتر باشد انجام کسب و کار در آن کشور سهل تر است. [↑](#footnote-ref-2)